

دو فصل نامه‌ی علمی-پژوهشی زبان و ادبیات
فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فسا
س ۱۰، ش ۲ (پیاپی ۲۱)، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

معرفی شاعر ناشناس مولانا یحیی قانی و سبک شناسی شعر او بر اساس تصحیح نسخه مجمع الشعراء

شیماکرباسی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

دکتر قربانعلی ابراهیمی (نویسنده‌ی مسئول)

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

دکتر مهدی نوریان

استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

چکیده

نسخه‌های خطی گنجینه‌های ارزشمندی است که می‌تواند نمای روشنی از لایه‌های زبانی، ادبی، هنری و جامعه‌شناسی هر دوران را بازنمایی کند. یکی از این گنجینه‌ها نسخه خطی مجمع الشعراء از سالار نامی که می‌گویند از مخترعات خواجه رستم خوریانی متخلص به رستم متعلق به قرن نهم هجری است و شامل ۲۵۸۰۰ بیت از شعر شاعران بر اساس حروف الفباست و به صورت تک نسخه در کتابخانه‌ی مجلس به شماره نسخه ۵۳۰ نگه‌داری می‌شود. این نسخه به صورت جنگ بوده و دربردارنده آثار و اشعار بسیاری از شاعران شناخته شده و ناشناخته ادب فارسی است. یکی از این شاعران ناشناخته یحیی قانی است که امیر رستم در مجمع الشعراء از وی به نام مولانا یحیی قانی طبیب یاد می‌کند. اشعار موجود از قانی نزدیک به ۵۰۰ بیت و در قالب غزل و قصیده است، وی غزلیات را در باب عشق سروده است و تجربه‌های تلخ و شیرین خود را از روزگار بیان کرده است. قصاید نیز با موضوع حمد خداوند، نعت رسول، منقبت حضرت علی و موعظه است. اشعار قانی از منظر سبک شناسی در سطح آوایی از صنایع بدیع در حد تناسب بهره گرفته و به همین سبب زبان شعر او ساده و قابل فهم است. در سطح ادبی یکی از پربسامدترین مختصات ادبی اشعار او تشبیه است. در سطح نحوی معمولاً اجزای اصلی جمله ذکر شده و حذف‌ها و جابه‌جایی‌ها در اجزای جملات به گونه‌ای نیست که به تعقید بینجامد. در سطح لغوی کاربرد واژه‌های عربی به ویژه در قصاید به اقتضای موضوع حمد و تلمیح به آیات و احادیث اجتناب‌ناپذیر است. این پژوهش به معرفی یحیی قانی و ویژگی سبکی شعر او بر اساس تصحیح نسخه خطی مجمع الشعراء پرداخته است.

واژگان کلیدی: نسخه خطی، جنگ، قرن نهم، یحیی قانی، مجمع الشعراء

Email: shimakarbasi@yahoo.com
ghorbanali.ebrahimi.333@gmail.com
m.nourian@tr.ui.ac.ir

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۵/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۶

۱- مقدمه

نسخه‌های خطی آثار بی‌نظیر از علم و تمدن و فرهنگ ایران را در خود جای داده است که حاصل عمر و تلاش ادبا، دانشمندان، علما و هنرمندان این مرزو بوم است و نمایانگر پیشگامی و درخشش دانشمندان کشورمان در اکثر رشته‌های علمی در دوره‌های تاریخی گذشته می‌باشد. در میان نسخه‌های خطی، جنگ‌ها مجموعه‌های بسیار کمیابی هستند که بسیاری از اشعار و آثاری که شاید در جای دیگر به صورت مستقل یافت نشود را محفوظ نگاه داشته و درحقیقت گنجینه مستحکمی برای حفاظت از تاریخ، ادبیات و فرهنگ ایران است. «جنگ‌ها بهترین و ارزنده ترین نشانه طرز فکر مردم هر مملکت و دیار محسوب می‌شود و نخستین گام برای شناخت و شناساندن یک ملت متمدن و دستیابی به آثار فرهنگی اوست» (فدایی، ۱۳۸۶: ۲۵).

جنگ‌ها یکی از ارزشمندترین میراث مکتوب محسوب می‌شوند و به این سبب «جنگ پژوهی یکی از ضرورت‌های فرهنگی و تحقیقی ما بشمار می‌آید و تا این سفینه‌های ارجمند و دریای معلومات نهفته در آن مورد شناسایی و تحلیل علمی قرار نگیرد هر کوششی به‌منظور شناخت دقیق و جامع از فرهنگ، تاریخ و ادب ایران، کژی و کاستی خواهد داشت» (عظیمی، ۱۳۸۹: ۱۴).

یکی از این جنگ‌ها که در سیر و گذشت زمان گمنام باقی مانده است «مجمع الشعراء از سالار نامی است که می‌گویند از مخترعات خواجه رستم خوریانی بسطامی متخلص به رستم است. این نسخه به نظر می‌رسد متعلق به قرن نهم باشد و شامل مجموعه‌ای از شعر شعراء بر اساس حروف الفباست که نام شاعر هر شعر قبل از آن به رنگ قرمز و سیاه نوشته شده است؛ در این جنگ، از اشعار بیش از چهل شاعر استفاده شده و به صورت تک نسخه در کتابخانه مجلس به شماره نسخه ۵۳۰ موجود می‌باشد که به خط نستعلیق نوشته شده و افتادگی‌هایی در وسط دارد همچنین افتادگی‌هایی در ابتدای بعضی ابیات نیز به چشم می‌خورد که در چند صفحه آخر نسخه بیشتر به چشم می‌آید در بیشتر صفحه‌ها لکه قهوه‌ای رنگ بزرگ به چشم می‌خورد. برگ‌های نسخه پس و پیش شده و در آغاز دو برگ رباعیات است سپس با حرف الف شروع می‌شود و در پایان نیز ده برگ مقطعات، مستزاد و رباعیات است. جلد نسخه از جنس تیماج است و دارای ۲۵۸ برگ، ۲۵ سطر (۲۵*۱۸)» (درایتی، ۱۳۸۶، ج ۸۲: ۱۶۲).

امروزه با تمام تلاش‌هایی که در زمینه شناساندن نسخه‌های خطی صورت پذیرفته است، هنوز شاعران، نویسندگان و آثاری که ناشناخته باقی مانده، زیاد هستند و احیاء و تصحیح آثار مکتوب یکی از وظایف متخصصان این حوزه است زیرا که این آثار راهی برای

معرفی و شناخت هر چه بهتر زبان، فرهنگ و تمدن هر جامعه است. گفتنی است تصحیح متون به صورت علمی در ایران پیشینه‌ای طولانی دارد و از «سده سوم هجری آغاز گردیده و در طول قرن‌های متمادی تحولات بسیاری را پشت سر گذاشته» (مایل هروی، ۱۳۸۰: ۲۸۴).

یکی از شاعرانی که تعداد قابل توجهی از اشعار وی در جُنگ مجمع الشعراء امیر رستم خوریانی آورده شده است "یحیی قانی" متخلص به یحیی قانی است که با توجه به اشعارش یکی از گویندگان توانای زمان خود بوده است و تاکنون در باب وی و اشعارش پژوهش و تصحیحی انجام نشده است. متأسفانه در کتاب‌های تذکره از جمله فرهنگ سخنوران، مجمع الفصحا، ریاض العارفین، تاریخ نظم و نثر فارسی، عرفات العاشقین، طبقات اعلام شیعه، طبقات الاطبا، تذکره نفایس المأثر و ... هیچگونه اشاره‌ای حتی به نام وی نشده و بنابراین اطلاعی از زندگی و زمان تولد و مرگ وی در دست نیست.

از آنجا که مجمع الشعراء امیر رستم خوریانی در قرن نهم گردآوری شده است و امیر رستم بعد از نام وی اصطلاح نورمرقده و نور الله روحه را آورده است به نظر می‌رسد در آن زمان یحیی قانی در قید حیات نبوده است و دوره زندگی وی اواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم می‌باشد.

همچنین وی طبیب بوده و امیر رستم بیشتر مواقع از وی به نام مولانا یحیی قانی طبیب یاد می‌کند و خودش نیز در پاره‌ای از اشعارش به طب و طبابت خویش اشاره می‌کند:

در حسرت شهد لب تو یحیی قانی چون نرگس پرشور تو بیمار طبیبست
(مجمع الشعراء، ۱۱: ص ۱۱۶)

یحیی قانی از چه دعوی ز طب کند لیک

هستش غم تو دردی در جان خسته بسته
(همان، ۲۵: ص ۴۳۳)

با توجه به ابیات موجود در این جُنگ گویا یحیی قانی ده سال در عشق زیبا رویی بوده است:

حاصل ده ساله را از لشکر عشقت مگر کرد در تحویل من مستوفی دیوان هجر
(همان، ۳۶: ص ۲۵۴)

و تنها در یک غزل از اقبال خود در رسیدن به معشوق سخن می‌گوید:

مرحبا ای لب لعل تو دواى جانم زلف و ابروى کژت قبله گه و ایمانم

(همان، ۲۹: ص ۳۵۰)

دولتم باز مساعد شد و اقبال رفیق که رسیدست چو تو سرو قدی مهمانم

(همان، ۳۰: ص ۳۵۰)

آه اگر صبح وصال تو نگشتی ظاهر چه بدی چاره اندوه شب هجرانم

(همان، ۳۲: ص ۳۵۰)

دراین بیت شکوه می‌کند که چرا مدتی از من یاد نکردی:

مدتی شد که زمن یاد نکردی زچه روی بر شکستی چو سر زلف همه پیمانم

(همان، ۳۹: ص ۳۵۰)

و در غزلی دیگر می‌گوید:

گفتم ز جور غمزه شوخ ستمگرت ای شهریار حسن به جان داد می‌کنم

(همان، ۱۳: ص ۳۵۱)

گفتا منال یحیی قانی که بعد از این گفتا منال یحیی قانی که بعد از این

(همان، ۱۴: ص ۳۵۱)

با توجه به اشعارش شاعر در دوره‌ای از زندگی خود دچار فقر و تنگدستی شده است و معشوق به سبب فقر او از وی رویگردان شده است:

چون شدم بی زر یقین دانم که از روی طمع

از من بیچاره دل بیزار خواهی داشتن

(همان، ۲۴: ص ۳۸۸)

همچنین به نظر می‌رسد که وی سنی مذهب بوده است و در قصیده‌ای که در نعت پیامبر سروده از مونس اول سخن می‌گوید که منظور شاعر ابوبکر است ولی قسمتی از شعر که به نظر می‌رسد کلمه یار غار باشد محو شده است:

مونس اول سپهر صدق احمد مران تقی آنک در راه صداقت مصطفاست

(همان، ۱۴: ص ۴۶۴)

احمد مران تقی هم بعد از محو شدن این قسمت جایگزین شده است.
همچنین آمده است:

همدم ثانی جهان غیرت و تقوا آنک درد ظلم را از شربت عدلش دواست
(همان، ۱۷: ص ۴۶۴)

که با توجه به همدم ثانی و کلمه عدل به نظر می‌رسد کلمه محو شده عمر باشد.
همچنین آمده است:

سرور ثالث امیرالمؤمنین حیدر که او سایه چتر وفا و نور خورشید حیاست
(همان، ۲۰: ص ۴۶۴)

در این بیت نیز امیرالمؤمنین حیدر جایگزین کلمه محو شده آمده است.
یحیی قانی از حضرت علی(ع) با عنوان "محرم رابع" سخن می‌گوید:

محرم رابع شه مردان عالم بی ریا آنک داماد نبی مرسل و شیر خداست
(همان، ۲۳: ص ۴۶۴)

البته در مورد حضرت علی بسیار مفصل سروده است و هل آتی را آورده:

آن سرافرازی که نه چرخش بود زیر قدم

آنک اندر شأن او از حق ندای هل آتی است

(همان، ۲۸: ص ۴۶۴)

سعدی نیز با وجود سنی مذهب بودن در مورد حضرت علی چنین می‌گوید:

کس را چه زور و زهره که وصف علی کند

جبار در مناقب او گفت هل آتی

(کلیات سعدی، بیت ۸۷، قصیده ۱)

همچنین آورده است:

هر که اندر دل ندارد مهر آل با وفا

نام دین داری یقین می‌دان که بر وی افتراست

(مجمع الشعراء، ۳۶: ص ۴۶۴)

البته این ابیات نمی‌تواند دلیل شیعی بودن وی باشد زیرا منقبت اهل بیت از رایج‌ترین مضمون‌های شعری است و کمتر شاعری است که صفحاتی از دیوانش را به این مضمون اختصاص نداده باشد.

پیشینه پژوهش:

زندگی و اشعار یحیی قانی تاکنون ناشناخته مانده است و برای نخستین بار بر اساس نسخه مجمع الشعراء که تاکنون تصحیح و چاپ نگردیده است مورد بررسی و تصحیح قرار می‌گیرد. لذا پژوهشی که به طور ویژه به بررسی سبک شناسی این نسخه و یا اشعار یحیی قانی پرداخته باشد انجام نشده است و این پژوهش در نوع خود اولین گام در این راستا به شمار می‌رود.

۲- بحث و بررسی

۲-۱- سطح فکری

با توجه به ابیات موجود از یحیی قانی در نسخه مجمع الشعراء که شامل ۴۰ غزل (۳۱۷ بیت) و ۳ قصیده (۱۳۹ بیت) و در مجموع ۴۵۶ بیت است می‌توان مضامین فکری وی را اینگونه دسته بندی کرد:

عشق

توصیف عشق و ذکر خصوصیات معشوق از بارزترین مفاهیمی است که یحیی قانی در غزلیات خود به آن پرداخته است و مضمون همه ۴۰ غزل منتخب در این جنگ عاشقانه است البته شاید به این خاطر باشد که امیر رستم در عهد تیموری به گردآوری این جنگ پرداخته و غزل در این دوره «دارای مضمون‌های عاشقانه بوده و از اختصاصات غزل‌های عاشقانه این دوره اظهار بیش از پیش عجز و زبونی و ناکامی در مقابل معشوق است»

(صفا، ۱۳۸۵، ج ۳: ۸۴).

یحیی قانی در غزل خود از معشوقی سخن می‌گوید که از هرگونه بی‌توجهی و آزار و درد و رنج نسبت به عاشق دریغ نمی‌کند و عاشق برای رسیدن به معشوق و رضایت خاطر او هر گونه آزار را از جانب معشوق بجان می‌خرد:

ما زاشتیاق با تو در صلح می زنیم تو بهر کینه ساخته اسباب جنگ را
(مجمع الشعراء، ۱۰: ص ۳۲)

بر من تو سنگدل بجفا سینه می‌کنی

من می‌زنم ز جور تو بر سینه سنگ را

(همان، ۱۱: ص ۳۲)

یحیی قانی از هجران و غم و اندوه آن می‌گویید و از این فراق و دوری شکوه می‌کند:

ماه رویا نیست ما را طاقت هجران تو

امتحان کردیم رای عقل دوراندیش را

تا بر سر کویت دل بیچاره غریبست

از عشق تو ما را غم و اندیشه نصیب است

نازنینا نتوان کرد به صد سال بیان

آنچه بر من ز غم اندوه هجران آمد

بر امید بوی جانبخش گلستان وصال

غرقه طوفان محنت گشتم از باران هجر

(همان، ۳۳: ص ۲۵۴)

یحیی قانی به قهرمان پروری عاشق که آماده هرگونه فداکاری در راه معشوق است پرداخته و برای رضایت خاطر معشوق حتی از سر جان نیز می‌گذرد:

یک نظر بر یحیی قانی نگر بیگانه وار

ا نثار قامت سازد روان خویش را

شاید از بهر نثار قدمت ای دو جهان

ترک سر گیرم و در پای تو جان افشانم

(همان، ۳۱: ص ۳۵۰)

یحیی قانی در غزلی از عشق حقیقی می‌گوید که حتی اگر رخ محبوب را به خواب بینم پس از آن باده ناب می‌نوشم و چون کسی مست عشق حقیقی باشد مجازاتی ندارد.

چون خیال رخ محبوب عیان گشت بخواب

گفته بودم که بنوشم پس از این باده ناب

(همان، ۲۰: ص ۶۲)

من که مست می عشق رخ جانان باشم

همچو ابروی خوشش سجده کنم در محراب

(همان، ۲۱:ص ۶۲)

ترک رندی کنم و بیخودی و فلاشی به سرکوی دلارام برآیم به شتاب

(همان، ۲۲: ص ۶۲)

چون سرت مست می عشق حقیقی است مترس

کز پی شرب مجازی نکند دوست خطاب

(همان، ۲۳:ص ۶۲)

یحیی قانی در شعر خود اظهار می کند که در راه عشق به نام و ننگ و سخن دیگران توجهی ندارد:

ندارم باکی از منع رقیبان همی گویم بلند آری که دارد

(همان، ۴۲:ص ۱۹۳)

منعم مکن ای مدعی از عشق نکویان کز عاشق شوریده دل این کار عجیبت

(همان، ۶: ص ۱۱۶)

هر دل که سراسیمه زنجیر بتان شد او را چه غم از سرزنش قول رقیبت

(همان، ۷:ص ۱۱۶)

برتری معشوق:

مه جمال تو از مهر باج بستاند لب ز چشمه حیوان خراج بستاند

(همان، ۴:ص ۱۹۴)

گل ز شرم روی تو در غنچه پنهان نیست هست

سرو را در پیش قدد اعتباری هست نیست

(همان، ۱۳:ص ۱۱۶)

به بوسه ایی ز لب عمر جاودانم بخش که لعل تو به صفت رشک آب حیوانست

(همان، ۲۹:ص ۱۱۶)

نالیدن از دست معشوق به سبب توجه به رقیب:

روز و شب با دشمنانم ذوق و عشرت می کنی

هیچ می گویی فلانی در شماری هست نیست

(همان، ۱۷: ص ۱۱۶)

توحید

یحیی قانی در قصیده‌ای پنجاه بیتی با مطلع به حمد خداوند پرداخته است:

سپاس و شکر بی پایان واهب جان را منزله خالق انس و ملک صبح سبحان را

(همان، ۱۲: ص ۴۳۸)

عرفان

«شعر عرفانی شعری است که ارباب معانی در بیان اصول و مواجید و حقایق معنوی سرودند» (پورجوادی، ۱۳۷۰: ۳).

استفاده از مضامین عرفانی در اشعار یحیی قانی نمود پررنگی ندارد و بیشتر به صورت استفاده از اصطلاحات عرفانی مانند رند، سماع، مست، میخانه، خمار و مسجد و ... است:

در صومعه و مسجد و میخانه چه پوییم ما را چو سر کوی خرابات مقامست

(مجمع الشعراء، ۴۲: ص ۱۱۶)

چو جانت یافت این لذت اناالحق گوی منصوری

مخور پس غصه فرقت یکی دان وصل و هجران را

(همان، ۱۲: ص ۴۶۳)

درآیی در سماع مجلس قدس آستین افشان

اگر از دیو طبع نفس برهانی گریبان را

(همان، ۱۶: ص ۴۳۶)

موعظه

یحیی قانی در قصیده‌ای با موضوع موعظه مضامینی چون بی اعتبار بودن دنیا، توجه

به جهان آخرت و ذات خداوند و ... را آورده است:

تو مهمانی و دنیا هست مهمانخانه پیکر
که بیش از چند روز آخر نباشد قدر مهمان را
(همان، ۱۸: ص ۴۶۳)

الا ای توسن فهمت عنان عقل بگسسته
بریده از سر غفلت بسی کوه و بیابان را
(همان، ۵: ص ۴۶۳)

نه راهست آنچه می پویی چنان سرگشته‌ای حیران

به دانش جمع دار آخر دل زار و پریشان را
(همان، ۶: ص ۴۶۳)

منه از چاره فرمان یزدان با دل بیرون
به ترک متره‌ای مفروش ذوق باغ رضوان را
(همان، ۷: ص ۴۶۳)

پرستش خالقت را کن مکن مخلوق را خدمت

که رحمت بر ندارد لطف او خالق پرستان را
(همان، ۱۵: ص ۴۶۳)

نعت پیامبر

آموزه‌ها و اعتقادات دینی و باورهای مذهبی جامعه در آثار شاعران و نویسندگان هر دوره‌ای قابل مشاهده است، منقبت پیامبر و اهل بیت نیز یکی از رایج‌ترین مضمون‌های شعری است در شعر یحیی قانی نیز می‌توان ردپای این اعتقادات را در قصیده‌ای با موضوع نعت پیامبر جستجو کرد:

مهر گردون رسالت در دریای کمال
کاستان قدر او را عرش اعظم متکاست
(همان، ۱۰: ص ۴۴۰)

شاه اقلیم نبوت شهریار ملک دین

خسرو تخت شریعت معدن صدق و صفاست
(همان، ۱۰: ص ۴۴۰)

احمد مرسل که محمود و محمد نام‌اوست
آنک محبوب اله و پیشوای انبیاست
(همان، ۶: ص ۴۴۱)

اطلاعات فلسفی و عقلی

عشرت سرای چرخ ز جور تو گردپاست
با ناله‌های سوز دلم ساز چنگ را
(همان، ۱۱:ص ۳۲)

چون سرت مست می عشق حقیقی است مترس

کز پی شرب مجازی نکند دوست خطاب
آنچه تقدیر خدایست بدل نتوان کرد
گر تو هوشیار جهانی و اگر مست و خراب
(همان، ۲۶:ص ۶۲)

از دور سپهرش دگر امید چه باشد
هر کو پو تو اش مونس و دلدار حبیبست
(همان، ۴:ص ۱۱۶)

شد فلک با تو شریک اندر ستم کونیز هم
از جفا و کین میان بر هر چه بستی می کند
(همان، ۲۹:ص ۱۹۲)

نالاه از درد جدایی مکن ای دل من بعد
از شفا خانه تقدیر چو درمان آمد
(همان، ۷:ص ۱۹۳)

دلی دارم زدور چرخ بیمار
به درد فرقت جانان گرفتار
(همان، ۴۱:ص ۲۵۴)

چو اختر تا به کی بودن ستمگر
چو گردون تا به کی بودن جفا کار
(همان، ۴۷:ص ۲۵۴)

که را قدرت بود غیر از کمال لطف ربانی
که از خاری برون آرد گل صد برگ خندان را
(همان، ۱۰:ص ۴۳۸)

که را شاید که غیر از لطف حق کز لجه دریا
بسازد معدن لؤلؤ بر آرد شاخ مرجان را
(همان، ۱۱:ص ۴۳۸)

همه تأثیر صنع اوست ور نه تاب خورشیدی

کجا داند که از سنگی کند یاقوت رمان را
(همان، ۱۲:ص ۴۳۸)

فروتر چار اجسام بسیط مختلف با هم که از ترکیب ایشانست اصل اشکال والوان را
(همان، ۱: ص ۴۶۳)

ز صنع خود پدید آورد معبود همه اشیاء سپس کرده با هم ممتزج این چار ارکان را
(همان، ۲: ص ۴۶۳)

نبات و معدن و حیوان چو شد حاصل رمکش

گزید از جمله مخلوقات عالم نوع انسان را
(همان، ۳: ص ۴۶۳)

تو مهمانی و دنیا هست مهمانخانه پیکر که بیش از چند روز آخرباشد قدر مهمان را
(همان، ۱۸: ص ۴۶۳)

توانایی مقرر نیست جز معبود دانا را جهانداری مسلم نیست چرخ جهانبان را
(همان، ۲۶: ص ۴۶۳)

اطلاعات نجومی

قانی برخی از اصطلاحات و افکار نجومی را در اشعار خود به کار برده است که نشان می‌دهد این شاعر در علم نجوم اطلاعاتی داشته است.

برافرازانده نه طارم پیروزه پیکر را برافرازانده رخساره برجیس و کیوان را
(همان، ۴: ص ۴۳۸)

فروتر زو گلستانی ولی گل‌های او انجم کزان گل‌ها بود رونق همه گل‌های بستان را
(همان، ۱۹: ص ۴۳۸)

چو اندر هم نشاند از پی ترصیع بر مینا بسی لؤلؤی ناسفته بسی یاقوت رخشان را
(همان، ۲۰: ص ۴۳۸)

فروتر زو یکی هندوی تیرآموز برنا دل

به دانش تربیت کرده هزاران شیخ و رهبان را
(همان، ۲۳: ص ۴۳۸)

همی دوشد ز دستی شیر از او بزغاله فربه

کزان شیر است پرورده بدانش طفل کیهان را

(همان، ۲۵:ص ۴۳۸)

به دست دیگرش دلوی درونش آب حیوانی

کزانجا آب می دارد همیشه این گلستان را

(همان، ۲۶:ص ۴۳۸)

فرو تر زو وزیر کارفرمای خردمندی

ضمیرش حل بسی کرده چو حکمت‌های لقمان را

(همان، ۲۷:ص ۴۳۸)

خرد از خرمن فکرش نصیبی می‌برددایم

از آن تازه به سوی او نباشد جهل نادان را

(همان، ۲۸:ص ۴۳۶)

مقامش گشته بطن حوت چون یونس گه عزلت

کمانی کفش چون گاه پور دستان را

(همان، ۳۰:ص ۴۳۶)

فروتر زو دلیری اشقری خونخواره برنا

پی‌کین وجفا گسترده دام مکرو دستان را

(همان، ۳۱:ص ۴۳۶)

فروتر زو جهانگیری فلک سیری

ز گردون برکشیده پرچم چتر درفشان را

(همان، ۳۵:ص ۴۳۶)

فروتر زو نگاری بربطی در چنگ بگرفته

که حیران کرده صوتش جمله مرغان خوش‌الحان را

(همان، ۳۹:ص ۴۳۶)

ز کاری کرده که مرکب چو افریدون با شوکت

به دستش گر ترازوی چنان چو اهل دکان را

(همان، ۴۲:ص ۴۳۶)

فروترزو یکی منشی نازک طبع چابک‌رای
که حیران دارد الفاظش آب حیوان را
مصاحب گاه با شخصی دو پیکر هیأت جسمش

مقامش خرمن گندم گهی چون مرد دهقان را
(همان، ۴۶: ص ۴۳۶)

فروترزو دلارامی پری رویی سمن رویی
منور کرده از شمع جمال خود شبستان را
(همان، ۴۷: ص ۴۳۶)

مقامش گرچه خرچنگ آمده لیکن ز قرص خور
منور داشته هر شب سپهر نیلگون خوان را
(همان، ۵۱: ص ۴۳۶)

ردبان نه فلک تا پای قدرش پایه ایست
مهر خاور نزدیکش کمتر از جرم سه‌هست
(همان، ۳۰: ص ۴۴۰)

مهر چرخ خاطرش هم ایمن از خوف خسوف
ماه رای انورش هم فارغ از افزون و کاست
(همان، ۳۸: ص ۴۴۰)

اطلاعات موسیقی

عشاق تو را پرده غم راست نیاید
ای مطرب خوش نغمه دمی ساز نوا کن
(همان، ۴۴: ص ۳۸۸)

تأثیر آیات قرآن و احادیث
«آذین بندی سخن با آیات قرآن، به شیوه اقتباس، شیوه‌ای پسندیده و گونه‌ای اعتقاد و احترام به قرآن می‌نماید و از سوی بسیاری از صاحبان فقه و فتوا مهر جواز نیز یافته است و از دیرباز میان سخنوران در نظم و نثر رواج داشته» (راستگو، ۱۳۸۰: ۴).
کاربرد آیات و مضامین قرآنی در اشعار یحیی قانی بسامد بالایی دارد که در اینجا به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم:

همه تسبیح ذکر اوست موران راشب تیره
همه ورد ثنای اوست مرغان سحرخوان را
(همان، ۸: ص ۴۳۸)

اشاره به آیه: «سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (سوره حدید، آیه ۱).

حکیمی کز سر حکمت قدیمی کز سر قدرت

معلق داشت امرش بی ستون طاق نه ایوان را

(همان، ۱۶: ص ۴۳۸)

اشاره به آیه: «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا» (سوره رعد، آیه ۱۳).

آنکه یزدان نرگسش را گفت ما زاغ البصر

وانک در وصف رخ چون آفتابش والضحاست

(همان، ۶: ص ۴۴۰)

اشاره به آیه: «مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَى» (سوره نجم، آیه ۱۷).

همچنین: «وَالضُّحَى» (سوره ضحی، آیه ۱)

آنکه در وصف کمالش عقل دانا قاصرست

زانک قاب قرب او بیرون ز حد و هم ماست

(همان، ۹: ص ۴۴۰)

اشاره به آیه: «فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى» (سوره نجم، آیه ۹).

آن سرافرازی که نه چرخش بود زیر قدم

آنکه اندر شأن اواز حق ندای هل آتی است

(همان، ۱۹: ص ۴۴۰)

اشاره به آیه: «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَّذْكُوراً» (سوره هل

آتی، آیه ۱).

استفاده از داستان‌های حماسی و مضامین اسطوره‌ای

نه آخر زین جهان روزی بخواهی رخت بر بستن

مطیع امر خود می گیر ایران را و توران را

(همان، ۲۵: ص ۴۶۳)

توجه سوی درگاه جلال کبریایی کن

که خاک درگهش بینی بسی فغفور و خاقان را

(همان، ۱۴: ص ۴۶۳)

ز کاری کرده که مرکب چو افریدون با شوکت

به دستش گر ترازوی جنان چو اهل دکان را

(همان، ۴۱: ص ۴۳۸)

۲-۲- سطح زبانی

سطح زبانی در سه سطح قابل بررسی است: سطح آوایی، سطح لغوی، سطح نحوی.

الف) سطح آوایی

سطح آوایی را می‌توان «سطح موسیقایی متن نیز گفت زیرا در این مرحله متن را به لحاظ ابزار موسیقی آفرینی بررسی می‌کنیم. موسیقی بیرونی که از بررسی وزن و قافیه و ردیف معلوم می‌شود. و موسیقی درونی که به‌وسیله صنایع بدیع لفظی است» (شمیسا، ۱۳۷۵: ۱۵۳).

قافیه: «یکی از تمهیداتی که شاعر به کار می‌برد تا سخن را از نثر عادی دور کند و در آن به نوعی، تناسب و آهنگ ایجاد کند، در واقع قافیه عامل غنای موسیقی شعر است و خواننده با شنیدن قافیه لذت می‌برد» (ذوالفقاری، ۱۳۸۰: ۳۲).

اشعار قانی در قالب غزل و قصیده دارای قافیه است و در هیچ کدام از ابیات قافیه تکراری دیده نمی‌شود.

ردیف: «تکرار کلماتی می‌باشد که در نظام موسیقایی عالم وجود دارد و یکی از جلوه‌های آن در شعر نمود یافته است. تکرار کلمات در پایان مصراع‌ها، جنبه‌ی موسیقایی دارد و نه تنها مکمل موسیقی قافیه است بلکه با عنایت به اسم، فعل یا حروف بودن آن در تکمیل مفاهیم موجود در بیت مؤثر است» (همان: ۵۹۵).

در بیشتر غزل‌های یحیی قانی می‌توان ردیف را مشاهده کرد که موجب غنای موسیقی در شعر وی شده است.

«وزن نوعی تناسب است و تناسب کیفیتی است که حاصل آن دریافت وحدت است بین اجزای متعدد که اگر در مکان واقع شود وزن نامیده می‌شود» (خانلری، ۱۳۶۷: ۲۴). یکی از پرکاربردترین اوزان در اشعار قانی رمل است که ۱۴ شعر در این وزن سروده شده، بعد از آن وزن هزج است، همچنین در بحرهای مضارع و مجتث نیز اشعاری سروده است.

هندوی کافر نهادت بت پرستی می‌کند نرگس مخمور تو بی باده مستی می‌کند

(مجمع الشعراء، ۲۷: ص ۱۹۲)

در بحر: فاعلاتن / فاعلاتن / فاعلاتن / فاعلن (رمل مثنی‌مخبون)

شبی در خواب اگر بینم رخ چون آفتابش را
به آب دیدگان شویم همه گرد رکابش را
(همان، ۱۴: ص ۳۲)

در بحر مفاعیلن / مفاعیلن / مفاعیلن / مفاعیلن (هزج ساده)

در اشعار یحیی قانی ۱۳۷ مورد از صنایع بدیع به کار رفته است که از این تعداد ۳۶ تضاد یعنی ۲۶ درصد، ۲۵ جناس یعنی ۱۹ درصد، ۲۴ تلمیح یعنی ۱۸ درصد، ۱۹ مراعات نظیر یعنی ۱۴ درصد، ۹ اشتقاق یعنی ۷ درصد، ۵ تکرار یعنی ۴ درصد، ۳ واج آرایی یعنی ۲ درصد، ۳ تضمین یعنی ۲ درصد، ۳ لف و نشر یعنی ۲ درصد، ۳ حسن تعلیل یعنی ۲ درصد، ۲ تناقض یعنی ۱ درصد، ۲ ایهام یعنی ۱ درصد، ۲ موازنه یعنی ۱ درصد استفاده شده است.

صنایع بدیع	تضاد	جناس	تلمیح	مراعات النظیر	اشتقاق	تکرار	واج آرایی	تضمین	لف و نشر	حسن تعلیل	موازنه	ایهام	تناقض
تعداد	۳۶	۲۵	۲۴	۱۹	۹	۵	۳	۳	۳	۳	۲	۲	۲
درصد	۲۶٪	۱۹٪	۱۸٪	۱۴٪	۷٪	۴٪	۲٪	۲٪	۲٪	۲٪	۱٪	۱٪	۱٪

جدول شماره ۱ - بسامد صنایع بدیع در اشعار یحیی قانی

تضاد

یکی از پر بسامدترین صنایع بدیع در شعر یحیی قانی تضاد است که می‌توان بیشترین کاربرد آن را در واژه‌های شب و روز مشاهده کرد.
روز و شب با دشمنانم ذوق و عشرت می‌کنی

هیچ می‌گویی فلانی در شماری هست نیست
(همان، ۱۷: ص ۱۱۶)

با منت وصل ای نگارین سخت آسانست و تو

کار آسان بر دلم دشوار خواهی داشتن
(همان، ۳۸: ص ۳۸۸)

نیز هست و نیست (۱۱۶:۱۸)، بودن و نبودن (۳۸۸:۳۴)، خواب و بیدار (۳۸۸:۴۱)، صبح و شام (۳۸۹:۲۲)، پیدا و نهان (۴۰۳:۲۱)، بستن و گشودن (۴۱۳:۲۵) و ...

جناس

جناس یکی از روش‌هایی است که در سطح کلمات و یا جملات موسیقی کلام را افزون می‌کند و از «آرایه‌هایی است که در سخن آراسته و هنرورزانه کاربردی گسترده یافته است. این آرایه نیک خنای درونی، سخن را سودمند و کارساز می‌تواند باشد» (کزازی، ۱۳۸۹: ۴۸).

در ابیات یحیی قانی ۲۵ مورد جناس است که ۱۱ مورد جناس افزایشی یعنی ۴۴ درصد، ۸ جناس ناقص اختلافی (لاحق) یعنی ۳۲ درصد، ۶ جناس تام یعنی ۲۴ درصد

جناس افزایشی

وصل و وصال (۲۵۴:۳۸)، جان و جهان (۳۵۰:۴۲)، زار و نزار (۳۵۰:۴۲)، بی زر و بی زار (۳۸۸:۴۱) و ...

جناس لاحق

سوز و ساز (۳۲:۱۲)، جفا و وفا (۱۱۶:۱۰)، کار و کام (۱۱۶:۴۴)، عزم و رزم (۴۳۸:۲۰)، دوست و دست (۱۱۶:۴۴) و ..

جناس تام

باری و باری (۱۹۴:۳)، ترسا و ترسا (۳۸۸:۳۳)، دوران و دوران (۴۳۸:۱۶) و ...

تلمیح

استفاده یحیی قانی از تلمیحات آشکار و معروف ادب فارسی با اشاره به یک کلمه یا روایت علاوه بر زیبایی شعر بیانگر آگاهی و تعمق شاعر در قصص قرآنی، تاریخ و ... است اشاره به داستان خضر و آب حیات یا آب حیوان

بیوسه ای زلبت عمر جاودانم بخش که لعل تو به صفت رشک آب حیوانست

(مجمع الشعراء، ۳۳:ص ۱۱۶)

باز بلبل بسوی طرف گلستان آمد خضر شادان به لب چشمه حیوان آمد

(همان، ۱۴:ص ۱۹۳)

یا خود مگر ز بهر حیات جهانیان خطی به خضر و چشمه حیوان نبشته اند
(همان، ۴۰:ص ۴۳۸)

اشاره به داستان آفرینش انسان

الهی از چه گلت آفریده لطف الهی که چشم حور و ملک در رخ تو حیرانست
(همان، ۳۲:ص ۱۱۶)

اشاره به داستان ید بیضا

تنی که خواب به عشوه تو سرفرازی کرد ز دست هجر تو اش دست در گریبانست
(همان، ۳۴:ص ۱۱۶)

چو ساعدت ید بیضای خویش بنماید ز لطف رونق بلور و عاج بستاند
(همان، ۱۵:ص ۱۹۴)

داستان حضرت مسیح در آسمان چهارم

رایت سلطان حسنت تا سر از گردون کشید
چتر شاه تخت چارم میل پستی می کند
(همان، ۱۱:ص ۱۹۳)

داستان حیات بخشی مسیح به مرده

باز بوی نفس عیسی مریم بدمید به تن مرده تیمار و ستم جان آمد
(همان، ۱۵:ص ۱۹۳)

گرچه به مرده پیش از این داد دم مسیح جان

لیک حیات بخش جان بوی شماست این زمان
(همان، ۲۷:ص ۳۸۹)

داستان هجران یعقوب

چند منزوی در کلبه احزان هجر در لب امید من تا کی بود دندان هجر
(همان، ۳۲:ص ۲۵۴)

محمود و ایاز

پیش سلطان جمال حسن او گرچه محمود است ایازی می کند
(همان، ۲۲:ص ۱۹۳)

حضرت سلیمان

سلیمانی تو بر تخت سعادت ترک سستی کن
به ایوان باز بگذار این عبای صدر و ایوان را
(همان، ۳۸:ص ۴۳۹)

نه بر امرش کسی حاکم نه زاسرارش کسی واقف
به موری بخشد ار خواهد همه ملک سلیمان را
(همان، ۶:ص ۴۳۸)

داستان حضرت یونس در شکم ماهی

مقامش گشته بطن حوت چون یونس گه عزلت
کمانی کفش چون گاه پور دستان را
(همان، ۲۹:ص ۴۳۸)

لیلی و مجنون

چنان مستغرق لیلی شو ار مجنون این راهی
که از خود بازشناسی به کلی غیر جانان را
(همان، ۱۱:ص ۴۶۳)

منصور حلاج

چو جانت یافت این عزت اناالحق گوی منصوری
مخور پس غصه فرقت یکی دان وصل هجران را
(همان، ۱۲:ص ۴۶۳)

معراج پیامبر

بنده قدر است در معراج او روح القدس

چاکرش در ملک معنی خاطر ارض و سماست

(همان، ۲۰: ص ۴۴۰)

مراعات النظیر

بر افرازانده نه طارم پیروزه پیکر را برافرازانده رخساره برجیس و کیوان را

(همان، ۴: ص ۴۳۸)

نیز (۴۳۸:۱۱)، (۴۳۸:۵)، (۴۳۸:۲۴)، (۴۳۸:۲۸)، (۴۳۹:۴)، (۱۹۲:۳۷)، (۱۹۳:۲۵)،
(۱۹۳:۳۸) و ...

اشتقاق

ای جان و جهان در غم تو زار و نزارم وز غمزه غماز تو بی خواب و قرارم

(همان، ۴۲: ص ۳۵۰)

نیز (۳۵۰:۴۳)، (۴۰۳:۲۹)، (۴۳۸:۱۵)، (۴۳۸:۱۶)، (۴۶۳:۱۵) و ...

تکرار

فروتر زو گلستانی همه گل‌های او انجم کزان گل‌ها بود رونق همه گل‌های بستان را

(همان، ۱۹: ص ۴۳۸)

نیز (۴۳۸:۲۴)، (۴۶۳:۴)، (۴۶۳:۱۰)، (۴۶۳:۱۸) و ...

واج آرایی

«مصوت‌ها از جهت جایگاه زبان در دهان به دو نوع بلند و کوتاه تقسیم می‌شوند ...
مصوت‌های بلند بیش از مصوت‌های کوتاه بر آرامش و وقار دلالت می‌کنند و مصوت‌های
کوتاه حاکی از حرکت سریع و ابراز هیجانات هستند» (کامیار، ۱۳۷۵: ۲۸).

جان چو شد قربان راهش یافت تشریف بقا

دل چو شد فرمانبرش بر ملک اعضا پادشاست

(مجمع الشعراء، ۱۴: ص ۴۶۴)

نیز (۴۶۴:۱۵)، (۴۶۴:۱۸)

تضمین

آنکه یزدان نرگش را گفت مازاغ البصر

وانکه در وصف رخ چون آفتابش والضحاست

(همان، ۶: ص ۴۶۴)

نیز (۴۶۴:۲۷)، (۴۳۸:۳)

لف و نشر

دل صبح رخ و شام سر زلف سیاهت

مانده گیسوی نو شد لیل و نهارم

(همان، ۱: ص ۳۵۱)

نیز (۴۶۴:۳۷)، (۴۶۴:۳۸)

حسن تعلیل

عید خجسته روی چون ماه تست از آن رو

هستم همیشه دل در عید خجسته بسته

(همان، ۴۰: ص ۴۳۳)

نیز (۴۳۸:۷)، (۴۶۴:۱۴)

تناقض

در حسرت شهد لب تو یحیی قانی

چون نرگس پر شور تو بیمار طبیب است

(همان، ۱۱: ص ۱۱۶)

نیز (۳۸۸:۲۲)

ایهام

نی‌نی غلطم من به چه حال من به چه دستم

بازم هوس یار و سر شرب مدام است

(همان، ۴۰: ص ۱۱۶)

نیز (۳۸۸:۱۳)

ب) سطح لغوی

بسامد واژگان عربی

واژه‌های عربی مانند: صَبَّوح (۱: ۴۳۸)، آمَنَّا و صدَّقْنَا (۷: ۴۳۸)، فَضَّلْنَا (۴: ۴۳۹)،

كَرَّمْنَا (۴: ۴۳۹)، وَالضَّحَا (۶: ۴۴۰)، اَرْض و سَمَاء (۳۵: ۴۴۱)، هَلْ أَتَى (۴۰: ۴۴۱)، عَرَش

و کرسی (۵۰: ۴۴۱)، ثانی (۳۰: ۴۴۱)، ثالث (۳۶: ۴۴۱) و مطرب، طره، فتنه، صبا، قصد، لعل، حسن، نظر، بلا، غمزه، عافیت و ... در اشعار قانی به کار رفته است.

کلمات پرکاربرد در اشعار یحیی قانی

در اشعار یحیی قانی کلمه بیمار و طیب و طیف معنایی کلمات مرتبط با این دو واژه بسامد بالایی را در شعر قانی دارد و این شاید به سبب شغل او بوده است.

گشت بیمار غمت یحیی قانی ز درون بر امیدی که از آن لعل دوا خواهی کرد

(همان، ۲۶: ص ۱۹۳)

یحیی قانی به امید شراب لعل تو از دل بیمار دایم می پرستی می کند

(همان، ۱۷: ص ۱۹۳)

بیمار خاطر است یحیی قانی ز چشم تو این نسخه‌ای است کز پی درمان نبشته‌اند

(همان، ۱۱: ص ۱۹۴)

نیز (۹: ۱۱۶)، (۱۶: ۱۹۲) و ...

همچنین کلمه شب و روز نیز در اشعار قانی بسامد بالایی دارد و در بیشتر غزل‌ها و همچنین قصاید دیده می‌شود.

روز و شب با دشمنانم ذوق و عشرت می کنی

هیچ می گویی فلانی در شماری هست نیست

(همان، ۱۷: ص ۱۱۶)

نیز (۳۶: ۱۹۳)، (۳۲: ۳۵۰)، (۴۴: ۳۵۰)، (۱: ۳۵۱)، (۳: ۳۵۱)، (۲۲: ۳۸۸)، (۲۴: ۴۳۳)،

(۳۵: ۴۳۳)، (۸: ۴۳۸) و ...

به طور کلی می‌توان گفت که در سطح واژگان بیشتر لغات امروزه هم معمول هستند و تنها لغاتی محدود مانند شوخ که در معنای قدیم خود به کار رفته و یا رندی که مانند شعر حافظ در معنای خاص آمده است بقیه واژگان تشخیص خاصی ندارند.

ج) سطح نحوی

نحو در واقع «قرار گرفتن اجزای جمله است، وقتی اجزای جمله را پس و پیش کنیم ممکن است معنی جمله تغییری نکند ولی مسلماً تأثیر بلاغی جمله دگرگون خواهد شد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۲۹).

اجزای جمله در شعر قانی بیشتر موارد با اسلوب طبیعی زبان (فاعل، مفعول و فعل)

منطبق است و معمولاً اجزای اصلی جمله ذکر شده و حذف‌ها و جابه‌جایی‌ها در اجزای جملات به گونه‌ای نیست که به تعقید بینجامد و معنی کلی در جملاتی که اجزای آن پس و پیش شده است تغییری نکرده است.

همچنین در غزل‌های یحیی قانی ابیات موقوف‌المعانی نیستند و معنی در خود بیت تمام می‌شود، اما در قصاید به دلیل موضوعی بودن مانند نعت پیامبر یا حمد خداوند ابیات موقوف‌المعانی هستند.

۲-۳- سطح ادبی

شعر یحیی قانی دارای زبانی ساده و به دور از تعقید و پیچیدگی است. ولی شاعر آرایه‌های ادبی را می‌شناخته و می‌توان برای اغلب صنایع ادبی نمونه‌هایی یافت البته قانی در حد اعتدال از همه آن صنایع بهره گرفته است.

سطح ادبی	تشبیه	استعاره	کنایه	مجاز
تعداد	۱۲۷	۸۹	۷	۳
درصد	۵۶٪	۳۹٪	۳٪	۱٪

جدول شماره ۲- بسامد سطح ادبی در اشعار یحیی قانی

تشبیه

«مانندگی یا تشبیه کردن چیزی یا کسی به چیزی یا کسی دیگر بر بنیاد پیوندی که به پندار شاعرانه، در میانه آن دو می‌توان یافت» (کزازی، ۱۳۸۵: ۴۰).

تشبیه	بلیغ	کامل	مجمل	مضمّر	مؤکد	مرکب	تسویه	جمع
تعداد	۸۸	۱۵	۸	۴	۲	۲	۱	۱
درصد	۷۳٪	۱۲٪	۷٪	۳٪	۲٪	۲٪	۱٪	۱٪

جدول شماره ۳- بسامد انواع تشبیه در اشعار یحیی قانی

از آنجا که «تشبیه مناسب‌ترین روش برای مقصودی است که ذهن و نگرش سنتی از شعر و تصویر شعری می‌طلبد» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۸۹) یکی از پر بسامدترین مختصات ادبی اشعار یحیی قانی تشبیه است به همین سبب می‌توان وی را شاعری تصویرگرا دانست. یحیی قانی در اشعار خود ۱۲۷ مورد تشبیه یعنی ۵۶ درصد به کار برده است که از این تعداد ۶۰ مورد یعنی ۴۹ درصد تشبیه حسی به حسی است، که بیانگر دیدگاه حسی و

طبیعت گرای شاعر است، ۴۹ تشبیه عقلی به حسی یعنی ۴۰ درصد، ۱۱ تشبیه حسی به عقلی یعنی ۹ درصد، ۷ تشبیه عقلی به عقلی یعنی ۶ درصد که تشبیهات حسی به عقلی و عقلی به عقلی با بسامد پائین به کار رفته است.

تشبیه بلیغ

تشبیه بلیغ به ویژه تشبیه بلیغ اضافی با بسامد بالایی در اشعار یحیی قانی به کار رفته است:

بر امید بوی جانبخش گلستان وصال غرقه طوفان محنت گشتم از باران هجر
(مجمع الشعراء، ۳۳: ص ۲۵۴)

که ترکیباتی چون گلستان وصال، طوفان محنت و باران هجر را به کار برده است، البته شاعر در ساخت تشبیهات چندان خلاقانه عمل نکرده و تصویر سازی های نو و بی بدیل در اشعارش دیده نمی شود.

تیر بلا (۱۹۳:۳)، صدف دل (۱۹۳:۵)، تیغ هجران (۱۹۳:۱۴)، چوگان هجر (۲۵۴:۳۴)، گلزار ثنا (۴۶۲:۱۳)، گلزار تقوا (۴۶۳:۲۱)، زنجیر فنا (۴۶۲:۳۱) و ...
در ابیاتی نیز با به کارگیری تشبیه بلیغ اسنادی تصویرسازی کرده است:

لبانت معدن قند و نبات است دهانت منبع آب حیات است
(همان، ۳۲: ص ۱۱۶)

تشبیه مجمل

برد هوش از عالمی لعل شکر بار فلان کرد کافر کشوری زلف چو زئار فلان
(همان، ۱۸: ص ۳۸۸)

نیز (۳۸۸:۱۹)، (۴۳۳:۴۰)، (۴۳۳:۲۹)، (۴۳۸:۴۲) و ...

تشبیه کامل

چو خاک ره سزد او بر سر رخت افتد سری که مست از آن دو چشم پر خمار بود
(همان، ۳۲: ص ۱۹۳)

(۱۹۲:۱۶)، (۳۵۱:۳)، (۳۸۸:۱۰)، (۳۸۸:۸)، (۳۸۸:۱۹)، (۴۶۳:۱۲) و ...

تشبیه مؤکد یا محذوف‌الادات

گوهر و صلت نیفتد خود به دست بخت من تابه کی غوطه خورم در بحر بی پایان هجر
(همان، ۳۹: ص ۲۵۴)

نیز (۱۹۴: ۱۰).

تشبیه مرکب

سنبل مشک‌سای تو خیمه زده بر ارغوان هندوی خال دلکشت جای گرفته بر سمن
(همان، ۲: ص ۳۸۸)

نیز (۳۸۸: ۳).

تشبیه جمع

ای رخ مه جبین تو چشم و چراغ انجمن درج دهان تنگ تو حقّه لؤلؤی عدن
(همان، ۱: ص ۳۸۸)

رخ یک مرتبه به چشم انجمن و یک مرتبه به چراغ انجمن تشبیه شده است.

تشبیه تسویه

مهر گردون جمال تو و مه را نرسد ذره سان در نظر مهر تو پیدا بودن
(همان، ۱۳: ص ۳۸۸)

استعاره

یحیی قانی در اشعارش بیشتر از استعاره مصرحه استفاده کرده است. در مجموع ۸۹ مورد استعاره دارد یعنی ۳۹ درصد که ۵۵ استعاره مصرحه یعنی ۶۲، و ۳۴ استعاره مکنیه یعنی ۳۸ درصد است.

استعاره مصرحه

در حسرت شهید لب تو یحیی قانی چون نرگس پرشور تو بیمار طبییست
(همان، ۱۱: ص ۱۱۶)

ای لعل دلفریبت بر عقل راه بسته وی سنبل تو برقع در پیش ماه بسته
(همان، ۲۲: ص ۴۳۳)

نیز (۴۳۳: ۲۸)، (۴۳۳: ۳۱)، (۴۳۳: ۳۲) و ...

استعاره مکنیه

هر سر که ز سودات سراسیمه شد ای دوست

در پای خیال تو به زنهار برآید

(همان، ۱۰: ص ۱۹۲)

نیز (۳۸۸: ۲)، (۳۸۸: ۵)، (۳۸۸: ۲۷)، (۴۳۳: ۲۲)، (۴۳۳: ۲۴)، (۴۳۳: ۳۶)، (۴۶۳: ۱۸)، (۴۶۳: ۲۹) و ...

کنایه

در ابیات موجود از یحیی قانی ۷ مورد کنایه به کار رفته است که در مجموع ۳ درصد می شود و همه موارد کنایه از مصدر یا فعل می باشد.

اگر به ملک دنیا فرو بیارد سر دلی که بسته آن زلف عنبر افشانست

(همان، ۲۸: ص ۱۱۶)

سر فرود آوردن به کنایه یعنی تسلیم شدن

امید وصال روی تو می دارم از جهان بر روی آب ببین که چه بنیاد می کنم

بر روی آب بنیاد کردن به کنایه یعنی کار بیهوده انجام دادن

نیز (۱۱۶: ۲۹)، (۱۱۶: ۳۰)، (۱۹۲: ۲۷)، (۱۹۳: ۱۴)، (۴۰۳: ۲۲).

مجاز

در ابیات موجود از یحیی قانی ۳ مورد مجاز به کار رفته است یعنی ۱ درصد.

جانا چه عجب تا به ابد ار مهر تو ورزم سودای تو چون در سرم از روز الستست

(همان، ۲۲: ص ۱۱۶)

مجاز است به علاقه کلیه

نی نی غلطم من به چه حال من به چه دستم بازم هوس یار و سر شرب مدامست

(همان، ۴۰: ص ۱۱۶)

مجاز به علاقه محلیه

شاید از بهر نثار قدمت ای دو جهان ترک سر گیرم و در پای تو جان افشانم

(همان، ۳۱: ص ۳۵۰)

مجاز به علاقه جزئیه تأثیرپذیری از شعر حافظ

با مطالعه شعر یحیی قانی می‌توان متوجه نگاه شاعر به شعر حافظ شد. کاربرد کلمات و مضامینی که در شعر قانی است ما را به این باور نزدیک می‌کند که وی در سرودن غزل به نوعی سعی در تقلید از شعر حافظ داشته است.

ترک رندی کنم و بیخودی و قلاشی به سر کوی دلارام برآیم به شتاب

(همان، ۲۲: ص ۶۲)

منعم مکن ای مدعی از عشق نکویان کز عاشق شوریده دل این کار عجیبست

(همان، ۶: ص ۱۱۶)

حافظ: به رغم مدعیانی که منع عشق کنند

جمال چهره تو حجت موجه ماست

(دیوان حافظ، غزل ۲۳)

ترسا بچه چون برد به یغما دل و دینم پس قبله گه و مسجد من دیر و صلیبست

(مجمع الشعراء، ۹: ص ۱۱۶)

ترسا بچه بر سر بازار برآید ز اسلام بسی زاهد و دین دار برآید

(همان، ۸: ص ۱۹۲)

چونکه ترسا بچه دل بردوزمادوری کرد چاره‌ایی نیست به جز رفتن و ترسا بودن

(همان، ۱۷: ص ۳۸۸)

حافظ: نغز گفت آن بت ترسا بچه باده پرست

شادی روی کسی خور که صفایی دارد

(دیوان حافظ، غزل ۱۲۳)

در صومعه و مسجد و میخانه چه پویم ما را چو سر کوی خرابات مقامست

(مجمع الشعراء، ۴۲: ص ۱۱۶)

دلی که بسته آن زلف بی قرار بود به ملک عافیتش بعد از این چه کار بود

(همان، ۲۳: ص ۱۹۳)

حافظ: ما ملک عافیت نه به لشکر گرفته ایم

ما تخت سلطنت نه به بازو نهاده ایم

(دیوان حافظ، غزل ۳۶۵)

خطا مردم که تشبیه تو با ترک خطا کردم

عجب گر چون رخ و زلف تو در چین و خطا باشد

(همان، ۵۱:ص ۱۹۳)

حافظ: از خطا گفتم شبی زلف تو را مشک ختن

می زند هر لحظه تیغی مو بر اندامم هنوز

(دیوان حافظ، غزل ۲۶۵)

دوستان عیب من عاشق بی دل مکنید

گر چه شوریده نهاد آن سخن می رانم

(مجمع الشعراء، ۳۵:ص ۳۵۰)

حافظ: دوستان عیب من بی دل حیران مکنید

گوهری دارم و صاحب نظری می جویم

(دیوان حافظ، غزل ۳۸۰)

تخلص

یحیی قانی در شعر خود نامش را به عنوان تخلص در نظر گرفته است.

زهی دولت اگر یحیی قانی یابد این فرصت

و گرنه چون کند درد دل ریش خرابش را

ساغر باده گلرنگ به من داد چه گفت

نوش کن یحیی قانی و دل از غصه متاب

(همان، ۲۵:ص ۶۲)

۳- نتیجه گیری

مولانا یحیی قانی طبیب متخلص به یحیی قانی از شاعران خوش قریحه و توانایی است که در زمره شاعران ناشناخته ایرانی محسوب می شود. وی علاوه بر اینکه شاعری توانا بوده، طبیب نیز بوده است و در پاره‌ای از اشعارش به طب و طبابت خویش اشاره می کند. همچنین وی سنی مذهب است ولی عشق و ارادت ویژه خود را در قصیده‌ای که در منقبت پیامبر سروده نسبت به حضرت علی (ع) نشان داده است. اشعار موجود از یحیی قانی در

نسخه خطی مجمع الشعراء در قالب غزل و قصیده است که غزلیات را در باب عشق سروده است و توانسته به‌وسیله این قالب تجربه‌های تلخ و شیرین خود را از روزگار بیان کند همچنین امید و آرزوی وصال، شکایت از غم هجران، ذکر مشکلات راه عشق و قهرمان پروری عاشق از جمله مضامین مطرح شده در این قسمت است. قصاید نیز با موضوع حمد خداوند، نعت رسول، منقبت حضرت علی، موعظه و ... است. از آنجا که شاعر شخصیت و منش، دانسته‌ها و آموخته‌های خود را در شعرش مانند آئینه‌ای به نمایش می‌گذارد اشعارش بیانگر آموخته‌ها و دانسته‌های او را در علم حدیث، قرآن، تاریخ، طب، نجوم، موسیقی، فلسفه و ... است. اشعار یحیی قانی از منظر سبک شناسی در سطح آوایی از صنایع بدیع چون تضاد، جناس، تلمیح، مراعات النظیر و ... در حد تناسب و به‌جا بهره گرفته و به همین سبب زبان شعر او ساده و قابل فهم است. در سطح ادبی یکی از پربسامدترین مختصات ادبی اشعار او تشبیه است و به همین سبب می‌توان گفت وی شاعری تصویرگرا است و مجاز نیز کمترین بسامد را دارا است. در سطح نحوی معمولاً اجزای اصلی جمله ذکر شده و حذف‌ها و جابه‌جایی‌ها در اجزای جملات به گونه‌ای نیست که به تعقید بینجامد. در سطح لغوی کاربرد واژه‌های عربی به‌ویژه در قصاید به اقتضای موضوع حمد و مناجات و تلمیح به آیات و احادیث اجتناب ناپذیر است البته این لغات آنقدر زیاد نیستند که از سادگی و روانی زبان شاعر کاسته باشد.

منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- پورجواد، نصرالله. (۱۳۷۰). «باده عشق»، مجله نشر دانش
- ۳- حافظ، محمد. (۱۳۶۸). دیوان حافظ، با تعلیقات علامه قزوینی، تهران: اساطیر، چاپ دوم.
- ۴- خوریانی، امیر رستم. (قرن نهم). مجمع الشعراء.
- ۵- درایتی، مصطفی. (۱۳۸۶). فهرست نسخ خطی ایران (فنخا)، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- ۶- ذولفقاری، محسن. (۱۳۸۰). فرهنگ موسیقی شعر، قم: نجبا.
- ۷- راستگو، سید محمد. (۱۳۸۰). تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، تهران: سمت.
- ۸- سعدی، مصلح الدین. (۱۳۶۶). کلیات سعدی، تصحیح محمد علی فروغی، تهران: امیر کبیر.
- ۹- شفیعی کدکنی، محمد رضا. (۱۳۸۰). ادوار شعر فارسی (از مشروطیت تا سقوط

سلطنت)، تهران: سخن.

- ۱۰- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۵). کلیات سبک شناسی، تهران: فردوس چاپ چهارم.
- ۱۱- صفا، ذبیح الله. (۱۳۸۵). تاریخ ادبیات ایران، جلد ۳، تهران: فردوس چاپ هفدهم.
- ۱۲- عظیمی، میلاد. (۱۳۸۹). سفینه و بیاض و جنگ مقاله‌های ایرج افشار، تهران:

سخن.

- ۱۳- فتوحی، محمد. (۱۳۸۵). بلاغت تصویر، تهران: سخن.
- ۱۴- فدایی، غلامرضا. (۱۳۸۶). آشنایی با نسخ خطی و آثار مکتوب، تهران: سمت.
- ۱۵- کزازی، میرجلال الدین (۱۳۸۹). بدیع، تهران: ماد، چاپ هفتم.
- ۱۶- کزازی، میرجلال الدین. (۱۳۸۵). بیان، تهران: ماد، چاپ نهم.
- ۱۷- مایل هروی، نجیب. (۱۳۸۰). تاریخ نسخه پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۸- ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۶۷). وزن شعر فارسی، تهران: توس.
- ۱۹- وحیدیان کامیار، تقی. (۱۳۷۵)، فرهنگ نام آوای فارسی، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۲۰- واردی، زرین تاج. (۱۳۸۶). «مضامین رایج در شعر برخی از شاعران قرن نهم»، مجله علوم اجتماعی و انسانی، دانشگاه شیراز.